

مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، سال چهل و دوم، شماره پیاپی ۸۵/۳،
پاییز و زمستان ۱۳۸۹، ص ۱۷۵-۲۰۲

شاخصه‌های نظریه‌های تفسیر اجتهادی مفسران امامیه

بررسی موردی مفسران حوزه متقدم بغداد و معاصر ایرانی نجف و قم*

دکتر علی راد^۱

استادیار دانشکده علوم حدیث، قم

Email: a_rad313@yahoo.com

دکتر کاظم قاضی‌زاده

استادیار دانشکده علوم حدیث، قم

Email: Ghazizadeh_kazem@yahoo.com

چکیده

مبانی، منابع، روش و قلمرو، ارکان اصلی یک نظریه تفسیری به شمار می‌آید و اکتشاف آن، روش و منابع خاصی دارد و بهترین روش برای کشف نظریه تفسیری یک مکتب توجه به عملکرد تفسیری مفسران آن است. اجتهادی و اثری دو روش تفسیری امامیه است و هر یک مبانی و طرفدارانی دارد. موضوع این پژوهش اکتشاف و تحلیل مؤلفه‌های اساسی نظریه‌های تفسیری مفسران اجتهادی امامیه از دو حوزه کهن بغداد و معاصر نجف و قم است که با رهیافتی نظریه پژوهی تألیف شده است. نخستین بار مفسران کهن امامیه در حوزه بغداد با تکیه بر اجتهاد و نقل معتبر، نظریه تفسیر اجتهادی این مکتب را طراحی کرده‌اند که در آثار تفسیری آنان نمود یافته است؛ هر چند روند تدوین این نظریه تدریجی بوده است لکن از وحدت مبانی در ادوار مختلف تاریخی برخوردار بوده و در دوره معاصر به مرحله تثبیت رسیده است. مفسران اجتهادی معاصر ایرانی امامیه از دو حوزه نجف و قم، در برخی از مؤلفه‌ها همانند قلمرو تفسیر، اندکی با یکدیگر اختلاف دارند لکن در مؤلفه‌های مبانی، منابع و روش، وحدت نظر دارند.

کلیدواژه‌ها: نظریه تفسیری، مفسران اجتهادی امامیه، بغداد، نجف و قم، مبانی، منابع، روش، قلمرو.

*- تاریخ وصول: ۸۹/۳/۲۷؛ تاریخ تصویب: ۸۹/۷/۱۰

۱- نویسنده مسئول

مقدمه

۱. تفسیر قرآن در بین مکاتب اسلامی از عرصه‌های بنیادی و تأثیر گذار در دیگر حوزه‌های معرفتی و عملی اسلام به شمار می‌آید. از این رو حساسیتهای شناختی زیادی درباره‌ی آن وجود داشته است و همواره اندیشمندان اسلامی درباره‌ی آن مطالعه کرده و می‌کنند. دانش تفسیر در ادیان آسمانی، با توجه به پیوند آن با شرح متون مقدس، از اهمیت برخوردار است و ارزش تفسیر نیز وابسته به اهمیت متن، منزلت ماتن و شناخت مفسر از سازوکار تفسیر دارد. متن و ماتن هر قدر از منزلت والایی برخوردار باشند، تفسیر نیز به همان میزان، اهمیت، ارزش و دقت خواهد داشت (الصغیر، ۸ و ۲۳). از این رو کیفیت تفسیر تابع شناخت مفسر از منزلت ماتن است (اصفهانی، ۲۲). در میان علوم اسلامی نیز تفسیر قرآن اولین دانشی است که پیشینه‌ی تاریخی آن به عهد رسالت برمی‌گردد و اطوار چهارگانه تأسیس، تأصیل، تفریع و تجدید را تاکنون سپری کرده (الخالدی، ۳۵-۴۷) و پژوهشهای گونه‌گونی درباره آن سامان یافته است (نمر). با این همه هنوز برخی از مسائل آن همانند صورت‌بندی نظریه‌های تفسیری مذاهب اسلامی به بررسی نیازمند است و تاکنون پژوهشی با این رویکرد سامان نیافته است. این تحقیقات به دنبال اکتشاف و تحلیل نظریه تفسیری و مؤلفه‌های آن از درون میراث تفسیری آن مذهب است. تبیین نگرش هر مکتب فکری به موضوعات بنیادی آن به شکل مستند، دقیق و جامع، اساس پژوهشهای توصیفی - انتقادی است که در شناساندن و سنجش مبانی نظری و اصول معرفتی مکتب ضرورت دارد؛ توصیف بنیادهای نظری یک مکتب، معمولاً در قالب «نظریه» طراحی و ارائه می‌شود (شایان مهر، ۱۴۳؛ دلاور، ۵۲)، این مهم را متخصصان هر مکتب با استناد به منابع علمی آن، انجام می‌دهند و ابعاد نظریه مکتب فکری‌شان را در عرصه‌های گوناگون اندیشه و عمل تبیین می‌کنند و آن را مبنای خود و دیگران در توصیف و نقد مکتب خویش قرار می‌دهند؛ این قاعده در تمامی مکاتب فکری، برای متفکران حوزه علوم اسلامی و انسانی، پذیرفته است. از

این‌رو در مطالعات تطبیقی و انتقادی، آشنایی دقیقِ ناقد با نظریهٔ مقبول طرف مقابل اهمیتی مضاعف دارد و بایستی در چارچوب نظریه به نقد و بررسی دیدگاه مقابل پردازد؛ بدون فهم کامل یک نظریه، اقدام به نقادی، جهدی بی‌توفیق است. تقریر معیوب و فهم معوج یک نظریه، ابطال آن را آسان می‌کند، اما چنین ابطالی را چه سود؟ (قراملکی، ۲۱۰) لذا نتایج مطالعات نظریه پژوهی مفسران در بررسیهای توصیفی، انتقادی و تطبیقی تفسیر مفید و ضروری است.

۲. در باب نظریهٔ تفسیری، توجه به نکات ذیل ضروری است:

الف) تفسیر فرآیندی ساده و بالبداهه نیست بلکه از نوعی دقت و ظرافت برخوردار است. مفسر باید پیش از تفسیر نسبت به حقیقت تفسیر، پیش فرضها و لوازم آن اندیشه کند و نظام تفسیری خود را در قالب نظریهٔ تفسیری استوار سازد. طرح پرسشهایی درست (مجتهد شبستری، ۲۳) درباره‌ی هویت دانشی تفسیر، امکان، پیش فرضها، مراحل، منابع، هدف، قواعد، قلمرو، انواع، روشمندی تفسیر، شرایط مفسر، ... و یافتن پاسخی مناسب به آنها، در تبیین نظریهٔ تفسیری ضروری و مفید است (یثربی، ۱۹۹). آنچه امروزه به عنوان «فلسفهٔ تفسیر» مطرح است، در حقیقت رهیافتی از نوع منطقی فهم دین، برای یافتن پاسخی درخور به این مسائل است (رشاد، ۴۶). پاسخها می‌توانند از پیش فرضهای کلامی، تاریخی و ادبی مفسر تاثیر بپذیرد و از یک مذهب و مفسری تا مذهب و مفسری دیگر متفاوت باشد و در نتیجه به اختلاف نظریات تفسیری بینجامد. از این رو یکی از اسباب مؤثر در اختلاف آراء تفسیری مفسران، اختلاف نظر آنان در مبانی تفسیر است که در منابع و روش تفسیر نیز بروز می‌یابد (ر.ک: شایع، فنیسان، محمود محمد).

ب) اجتهادی و تقلیدی، دو گونهٔ نظریهٔ تفسیری از لحاظ شیوه‌ی تحصیل آن از سوی مفسران است. اجتهادی بودن یعنی مفسر با انجام تحقیقاتی شخصاً به نظریه‌ای دست بیابد؛ و تقلیدی، عکس آن است. مفسرانی که تفسیر منسجم و روشمندی ندارند در واقع نظریهٔ اجتهادی ندارند یا از نظریات دیگر مفسران اقتباسی وارونه و ناقص

کرده‌اند؛ به همین سان است تفاسیری که چیزی جز آراء و اقوال مفسران پیشین و احتمالات ذهنی، بیش نیستند. به بیان دیگر یکی از علت‌های تفاوت تفاسیر به سطح آگاهی و وضوح نظریه تفسیری نزد مفسران بر می‌گردد؛ مفسری که چارچوب نظریه تفسیری‌اش برای وی روشن باشد آن را تبیین و ترسیم می‌کند اما برای فردی که موضوع مبهم و پیچیده است بهتر می‌بیند که آن را یاد نکند و این به اضطراب و پریشانی چهره تفسیری وی منجر می‌شود (الخالدی، ۱۹-۲۰).

ج) تبیین نظریه تفسیری هر مفسر یا مذهبی، باید به منابع معتبر مستند باشد تا انتساب نظریه به آن مذهب، از لحاظ منطقی صحیح باشد و در مقام نقد، شایستگی استناد را داشته باشد؛ منابع اکتشافی نظریه تفسیری به دو دسته اصلی و فرعی تقسیم می‌شوند. منابع اصلی منابعی هستند که داده‌های اولیه نظریه تفسیری در آنها وجود دارد و به دو قسم عقلی و نقلی تقسیم می‌شود؛ منابع فرعی، از منابع اصلی گرفته شده‌اند که در آراء متفکران نامدار مذهب تبلور می‌یابند به ویژه در آثار متفکرانی که به عهد پیدایش منابع اصلی نزدیک بوده یا اشراف عمیق و گسترده‌ای بر آنها دارند. علامه امینی از بزرگان مذهب شیعه به اعلام امامیه یاد کرده و در توصیف آنان، بر دو شرط حاملان علوم و آگاهی از عقاید امامیه تأکید می‌کند و به افرادی چون شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی و ... مثال زده است (امینی، ۱۰۱/۳). برخی نیز از این افراد با عنوان کبار علماء و محققان مذهب یاد کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۲۲/۸). برای اکتشاف نظریه تفسیری یک مفسر می‌توان به مقدمه تفسیر، تمام متن تفسیر، کتاب خاص در موضوع اصول و مقدمات تفسیر مراجعه کرد و همگی با یک‌دیگر می‌توانند مکمل هم باشند. بهترین روش برای کشف نظریه تفسیری یک مکتب، مراجعه به عملکرد تفسیری مفسران آن است.

د) مبانی تفسیر مجموعه پیش فرضهای اعتقادی، کلامی، زبان‌شناسی، روش شناختی، تاریخی، علمی مفسر نسبت به متن، ماتن و عناصر اساسی دخیل در فرآیند تفسیر است

که با مبنا قرار دادن آنها، به تفسیر قرآن می‌پردازد. مهم‌ترین نوع مبانی تفسیر، مبانی کلامی تفسیر است که به دو گونهٔ عام و خاص تقسیم می‌شود. مبانی کلامی عام، اصول مشترک مذاهب اسلامی در تفسیر است؛ نوعی وحدت نظر بین امامیه و دیگر مذاهب در این قسم از مبانی وجود دارد. مبانی کلامی خاص، اصول اختصاصی یک مذهب در تفسیر قرآن است که وجه تمایز آن از دیگر مذاهب اسلامی در تفسیر می‌شود.

ه) منابع تفسیر به گزاره‌هایی اطلاق می‌شود که داده‌هایی متناسب با مفاد آیات را در اختیار مفسر قرار می‌دهند، و معانی واژگان قرآنی و مفهوم آیات را برای وی روشن می‌کنند. منابع تفسیر از مبانی تفسیری مفسر تأثیر می‌پذیرد تا حدی که قلمرو منابع را به قبض و بسط دچار می‌سازد، منبعی را از درجه اعتبار ساقط یا احیاناً آن را در کنار دیگر منابع قرار می‌دهد. منابع تفسیر را می‌توان در سه مدل نقلی - عقلی، پایه - تابع، متن شناسی - پیشامتن شناسی تقسیم کرد. این مدلها تنها به هدف نشان دادن تنوع کارکرد و کارآمدی منابع در تفسیر قرآن و معیار سنجی اعتبار آنها صورت‌بندی شده است؛ از این رو به معنای توسعه و تکثیر منابع تفسیر نیستند.

و) روش تفسیری اخص از منهج، ولی متأثر از آن است؛ منهج تفسیری بسان نقشه ساختمانی است که مهندسی خبره، به دقت بر روی کاغذی طراحی کرده است و روش یا طریقه، التزام عملی و دقیق معمار ساختمان به اجرای نقشه هنگام ساخت است، پس روش از منهج مفسر تأثیر می‌پذیرد و تابعی از آن است و خود منهج قواعد و اصولی دارد که از آن به چارچوب کلی نظریهٔ تفسیری مفسر یاد می‌شود (الخالدی، ۱۷). روش تفسیری برای مفسر، هم طریقت دارد و هم موضوعیت. نزد مفسران امامیه روش قرآن محوری و عترت‌مداری در تفسیر از فراگیری و اعتبار لازم برخوردار است. اطلاق روش تفسیری به بهره‌وری مفسر از منابع و مستندات تفسیر (شاکر، ۴۶؛ سبحانی، ۱۸؛ اسماعیل، ۲۹) در مورد برخی از گرایشهای تفسیری همانند روش عرفانی دچار ابهام است، چرا که از نظر عده‌ای اصل نگاه منبع شناختی به حالاتی چون الهام، کشف شهودی

یا اشراقی در تفسیر عرفانی محل بحث و گفت‌وگو است (معرفت، ۳۳۳-۳۹۳).
 ز) تفسیر با ترجمه (جواهری، ۷۲)، تأویل (عبدالغفار، ۶۶-۷۴ و ۸۳) و جری و تطبیق (نصیری، ۷۸-۹۶؛ رضایی اصفهانی، ۵۱-۶۶) تفاوت دارد؛ آغاز قلمرو تفسیر، نقطه پایانی ترجمه و فرجام آن، نقطه شروع تأویل است و تفسیر خود دو قلمرو حدادلی و حداکثری دارد؛ شرط صحت اطلاق کلمه تفسیر به یک تلاش علمی، تحقق زدودن ابهام از چهره دلالتی کلام است؛ اما این سخن بدین معنا نیست که تفسیر به همین مرحله محدود می‌شود، بلکه تفسیر قلمرو حداکثری نیز دارد (راد، ۱۵-۱۸).

۳. علی‌رغم کوششها و پژوهشهای سامان یافته در تفسیر پژوهی شیعی، تاکنون نظریه تفسیری امامیه، به شکل دقیق و جامع استخراج نشده است، مهمی که از دید قرآن پژوهان شیعی معاصر مغفول مانده و زمینه را برای خرده‌گیری مخالفان این مذهب فراهم آورده است. کتابهای تفسیر پژوهی بیشتر به تاریخ تفسیر، معرفی کتابهای تفسیری، مفسران و روش شناسی تفاسیر آنان پرداخته اند و رویکرد نظریه شناسی در آنها چندان مد نظر نبوده است. البته نگاه نظریه پردازانه و ساختارشناسانه به دانش تفسیر قدمت چندانی ندارد و از رویکردهای نوآمد در حوزه تفسیر پژوهی به شمار می‌آید و شاید همین امر دلیل اهتمام نداشتن قرآن پژوهان امامیه به چنین پژوهشهایی باشد. پژوهش حاضر جزء آغازین پژوهه‌ها در تبیین نظریه تفسیری امامیه به شمار می‌آید، از این رو ادعای کمال را ندارد و خود را در آغاز راه می‌بیند. در این پژوهش سعی شده است با تکیه بر میراث تفسیری دو حوزه بغداد از قدما و حوزه نجف و قم از معاصرین شاخصه های اصلی نظریه تفسیر اجتهادی امامیه بررسی شوند.

۱. عملکرد مفسران امامیه تبلور نظریه تفسیری مذهب

منابع اکتشاف نظریه تفسیری امامیه به لحاظ اعتبار و قدمت دو قسم هستند: روایات معصومین (ع) و سیره تفسیری بزرگان امامیه. از آنجا که سیره تفسیری بزرگان امامیه، از اصول تفسیری یاد شده در روایات اهل بیت (ع) گرفته شده است و مفسران

امامیه همواره تلاش نموده‌اند تا مبانی و روش تفسیری معصومین(ع) را در آثار خود رعایت نمایند، از این رو نوعی در هم تنیدگی این قسم از روایات در سیره تفسیری مفسران امامیه دیده می‌شود؛ از این رو بهترین راه برای اکتشاف نظریه تفسیری امامیه، مراجعه به عملکرد تفسیری مفسران امامیه است تا با تحلیل اصول تفسیری آنان، نظریه مذکور به دست آید.

الف) سیره تفسیری بزرگان امامیه آثاری را شامل می‌شود که اندیشمندان امامیه در موضوع تفسیر قرآن نوشته‌اند؛ خواه در قالب کتاب تفسیر خواه در قالب اظهار نظرهای تفسیری در آثار غیر قرآنی همانند کلام، فقه، اصول، اخلاق و غیره. هدف از یادکرد قید «بزرگان» تأکید بر این نکته است که اندیشمند مذکور، نوعی اشراف بر مبانی عقلی و منابع نقلی مذهب امامیه داشته باشد نه افرادی که هنوز در مرحله تحقیق، آزمون و خطا بوده یا از سر تفنن آثاری را نوشته‌اند، در غیر این صورت با وجود تکرر آثار تفسیری و اختلاف نظرهای موجود، دستیابی به نظریه مقبول دشوار خواهد بود.

ب) بررسی روند تاریخی تفسیر امامیه نشانگر این نکته است که مفسران امامیه به دو رویکرد اثری و اجتهادی بیش از دیگر رویکردهای تفسیری توجه کرده‌اند. هر دو رویکرد جریانی پویا، مستمر و رو به تکامل را سپری نموده و در هر دوره‌ای حسب نیازهای علمی به شکلی خاص ظهور یافته‌اند. آغازهای مکتوبات تفسیر اثری امامیه، به قرن نخست هجری می‌رسد (امین، ۳۶۹-۳۸۹). در سده‌های نخستین، بزرگان امامیه به روایات تفسیری امامان اهل بیت(ع) تمایل نشان دادند و رویکرد تفسیر اثری رواج یافت و به مرور تفاسیری به نام امامان(ع) مطرح شد. در قرن سوم و چهارم بزرگانی از امامیه چون علی بن ابراهیم قمی، محمد بن مسعود عیاشی، ابن ابی الثلج، ابن حجاج، ابن عقده، ابن ولید، ابن فرات کوفی، محمد بن ابراهیم نعمانی، شیخ صدوق و ... آثاری را در تفسیر تألیف کردند. روایی بودن، حذف اسناد، دگرگونی شکل اولیه و تردید در انتساب برخی از تفاسیر به مؤلفان، از اشکالات عمده تفاسیر این قرن به شمار می‌آید

(اعرجی، ۹۶ - ۹۷). مفسران بعدی امامیه، بعدها در سطح وسیعی از تفاسیر این دوره استفاده کردند (پاکتچی، ۱۷۱/۱۰ - ۱۷۲) و متأسفانه اشکالات همچنان باقی ماند و دستاویزی برای نقدهای مخالفان شد؛ البته رویکرد اجتهادی با اینکه کم رنگ بوده است لکن در کنار رویکرد اثری مطرح بوده است و حتی می‌توان گفت مؤلفان تفاسیر مأثور، به گونه‌ای در گزینش روایات تفسیری اجتهاد کرده‌اند (بابایی، ۱۰۵/۲ - ۳۵۵).

ج) توجه به نظریه تفسیری مفسران قدمای امامیه، بویژه چهار قرن نخست هجری و دوره معاصر، در بررسی سیر تکون و تطور تاریخی آن، ضروری است، لکن اطلاعات کارآمد و سودمند از تفاسیر اجتهادی چهار قرن نخست هجری که بتوان از لابه‌لای آنها نظریه‌ای را استخراج کرد، بسیار محدود و دشوار یاب است؛ تعدادی تفسیر مأثور از این دوره داریم که افزون بر اشکالات سندی و محتوایی، به دلیل روایی بودن محض، در تبیین نظریه تفسیری امامیه چندان مددکار نیستند. هر چند تکرر تفاسیر مأثور این دوره، خود می‌تواند نشانه غلبه شاخص اثر گرایی در نظریه تفسیری امامیه به شمار آید و اجمالاً می‌توان برخی از مبانی کلامی امامیه چون حجیت سنت اهل بیت را از آنها استنباط کرد؛ لکن در این مقاله بررسی این رویکرد مد نظر نبوده است و تحلیل مؤلفه‌های نظریه اثری امامیه در تفسیر، خود به پژوهشی مستقل نیاز دارد. اهمیت تاریخی کشف شاخصه‌های نظریه تفسیری در دوره تکون آن، تاحدی است که مستشرقان نیز خود را در نقد و بررسی تفاسیر امامیه در این دوره ناگزیر یافته و پژوهشهایی در این عرصه انجام داده‌اند؛ پژوهش مایر میخائیل برآشر با عنوان «قرآن و تفاسیر قرآنی در سنت اولیه امامیه»^۱ در راستای همین هدف انجام گرفته که بیشتر به معرفی تفاسیر مأثور و روش‌شناسی اجمالی آنها پرداخته است.^۲ ورستگ^۳ نیز در

1. Meir Mikhael BarAsher, *Scripture and Exegesis in Early Imami Shiism*.

۲. مایر از شاگردان اتان کلبرگ - شیعه پژوه معروف - است و این اثر را در اصل به زبان عبری و برای پایان نامه دکتری خود نگاشته و در سال ۱۹۹۱ از آن دفاع کرده است.

3. Versteegh.

پژوهش گسترده‌تری ضمن بررسی موضوعات و شیوه‌های تفسیر در نخستین سده‌های اسلامی، به این نتیجه رسیده است که مفسران همگی به یک موضوع واحد نپرداخته‌اند؛ بلکه غالباً وجوه مختلف متن قرآن را بنابر دغدغه‌های متفاوت خویش تفسیر کرده‌اند. برخی از مفسران، قرآن را بیشتر در پیوند با مسائل عینی جامعه اسلامی تفسیر کرده‌اند و برخی دیگر مستقیماً به متن قرآن، اختلاف قرائات و معنای لغوی آیات آن پرداخته‌اند (ورستگ، ۶۳-۹۵).

می‌توان شاخصه‌های نظریه تفسیری امامیه را با بررسی تفاسیر اجتهادی و آثار قرآنی بزرگان این مکتب بازبینی کرد. از آنجا که هدف این پژوهش گزارش سیر تاریخی تفسیر شیعه نیست، آگاهی از آن را به منابع تخصصی مرتبط ارجاع می‌دهیم^۱، هر چند به شکل ضمنی تطور تاریخی نظریه، پس از بررسی دیدگاهها به دست خواهد آمد. به نظر می‌رسد عمده تبیین، تثبیت و تطور نظریه تفسیر اجتهادی امامیه در دو دوره قدمای حوزه بغداد و معاصرین حوزه نجف و قم رخ داده است. در دوره میانی و متأخر گرایش رایج یا اثری است یا تحولی خاص در نظریه تفسیر اجتهادی امامیه پدید نیامده است لذا از بررسی نمونه‌های دوره میانی و متأخر خودداری کردیم؛ هر چند تأکید و تصریح می‌کنیم که نظریه تفسیر اثری در این ادوار، به باز پژوهی نیازمند است. اینک با تکیه بر نمونه‌های آزمونی در این پژوهش، شاخصه‌های اصلی نظریه تفسیر اجتهادی امامیه در دو دوره زمانی قدماء حوزه بغداد و معاصران ایرانی امامیه (قم و نجف) را بررسی می‌کنیم.

۱-۱. قدمای امامیه

برخی از دانشوران کهن امامیه تعریف روشنی از تفسیر و شاخصه‌های آن ارائه

۱. برای آشنایی بیشتر با سرگذشت تفسیر در امامیه بنگرید: عبدالحسین شهیدی صالحی، *تفسیر و تفاسیر شیعه*؛ محمد هادی معرفت، *التفسیر و المفسرون*؛ حبیب الله جلالیان، *تاریخ تفسیر قرآن کریم*؛ علی اکبر بابایی، *مکاتب تفسیری*؛ احمد پاکتچی، *تاریخ تفسیر قرآن کریم*؛ محمد علی ایازی، *شناخت نامه تفاسیر*؛ عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، *طبقات مفسران شیعه*؛ فرج الله فرج اللهی، *سرگذشت علم تفسیر*؛ تطور تفسیر طی قرون و اعصار.

نکرده‌اند، چه بسا به بداهت معنایی و بساطت مفهومی آن اکتفا کرده‌اند؛ از این رو دربارهٔ هویت و مؤلفه‌های نظریهٔ تفسیری، اظهار نظر قطعی و شفاف نکرده‌اند؛ لذا کشف دیدگاه اصلی آنان در این مسئله ساده و آسان نیست؛ تنها راه کشف دیدگاه این افراد که در مکتب امامیه تأثیرگذار بودند، توجه به عملکرد تفسیری آنان در آثار قرآنی‌شان است که برخی از مؤلفه‌های تفسیر را از نظر آنان برای ما روشن می‌سازد. آنچه در ادامه می‌آید اهم مبانی نظری و کاربردی شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی در تفسیر قرآن است که به عنوان نمایندگان امامیه در عصر قدما انتخاب شده‌اند. در اکتشاف مبانی نیز سعی شده است از تکرار مبانی مشترک خودداری شود و در صورت تقریری جدید از مبنای خاص بدان پرداخته شود. هدف از این گفتار تأکید بر مبنای قدمای امامیه در تفسیر و اکتشاف مبانی آنان در تفسیر قرآن بوده است تا بتوان در تدوین نظریه تفسیری امامیه از آنها بهره برد.

۱-۱-۱. شیخ مفید (ت ۴۱۳ ه. ق.)

اگر چه تفسیر مستقلی از شیخ مفید گزارش نشده، و آثار چهارگانه علوم قرآنی وی نیز مفقود است؛^۱ لکن به برخی از نوشته‌های قرآنی وی دسترسی داریم. از آنجا که روش تفسیری وی کلامی - عقلی است و عقلانیت شاخصه‌ای برجسته در اندیشه مفید است (کدیور، ۲۸-۴۷؛ صادق‌زاده قمصری، ۱۰۵-۱۲۴) با رویکردی تدافعی و انتقادی، جایگاه و کارکرد عقلانی قرآن را به خوبی در منازعات و شبهات کلامی فریقین نشان داده و به مسائل اختلافی معاصر خود با تکیه بر قرآن پاسخ داده است (حسینی جلالی، ۱۵۰-۱۷۳). اینک با تکیه بر نگاه‌های متعدد وی مبانی تفسیری وی را کشف و تحلیل می‌کنیم.

۱. از شیخ مفید چهار کتاب در حوزه علوم قرآنی در فهرس ثبت شده، که البته به طور مستقل اثری از آنها باقی نمانده است. آثار مذکور عبارتند از: *النصرة فی فضائل القرآن، البیان فی تألیف القرآن، الکلام فی وجوه اعجاز القرآن، جوابات ابی الحسن السبط المعالی بن زکریا فی اعجاز القرآن.*

أ. امکان عام و جواز اجتهاد در تفسیر: برداشتهای قرآنی متعدد شیخ مفید در آثار فقهی، کلامی، تاریخی و ... نمایانگر اقدام عملی او در امکان و جواز معنایابی گزاره‌های قرآنی و کشف مدالیل و مقاصد آیات است؛ بدیهی است که پیش‌تر امکان عام^۱ و جواز تفسیر اجتهادی قرآن نزد شیخ مفید، امری مفروض و پذیرفته شده بوده که بر پایه آن، چنین اقدامی را در تبیین آیات انجام داده است (ایازی، سراسر اثر). شیخ مفید در معنایابی آیات چنان استوار عمل کرده است که جای هیچ شبهه‌ای را در امکان و جواز فهم قرآن برای غیر معصوم باقی نمی‌گذارد. وی در بیان مدالیل آیات از تعبیری چون دلالت «و قد دلّ القرآن علی ذلک...» (همو، ۵۵۲)، تبیین «و قد بین الله تعالی ذلک عند قوله...» (همو، ۴۲۸ و ۳۱۹)، اراده «قال الله تعالی ... یرید به ..» (همو، ۳۰۴ و ۳۱۵ و ۴۳۶)، معنا «فکان المعنی فی قوله...» (همو، ۴۵۸ و ۳۶۱) بهره برده است.

ب. حجیت ظواهر کتاب: در تفسیر کنار گذاشتن معنای حقیقی و حمل آن بر مجاز و استعاره، بدون دلیل موجه اقدامی باطل است؛ از این رو تا زمانی که دلیلی بر رد یا اراده نشدن معنای ظاهری متن موجود نباشد، معنای ظاهری همچنان معتبر خواهد بود (همان، ۲۵۹ و ۳۰۳). برای مثال در معنای تنزیلی آیه ﴿قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ﴾ (یس/۲۶) می‌گوید خداوند با این عبارت خبر داده است که بعد از مرگ انسان روح وی زنده، ناطق و منعم است هر چند که جسم او روی زمین یا داخل آن باشد. (همو، ۵۵۲). البته اگر قرینه‌ای در میان باشد از معنای ظاهری و لغوی واژه عدول می‌کند آنگونه که در شناخت معنای عقبه در آیه ﴿فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ﴾ (بلد/۱۱) به اعتبار آیات بعدی ﴿فَكُ رَقَبَةٌ...﴾ عقبه را به اعمال تکلیفی انسان در دنیا معنا کرده است و سخن حشویه را که از این آیه، به وجود کوههای صعب العبوری در قیامت معتقد است نپذیرفته‌اند؛ هر چند که «عقبه» در لغت به معنای گردنه کوه است (همو، ۵۵۵). به

۱. مقصود از امکان عام، امکان تفسیر قرآن برای افراد غیر معصوم با حصول شرایط اختصاصی دانش تفسیر برای آنان است. امکان خاص نقطه مقابل امکان عام است که تفسیر را تنها برای افرادی محدود و معین (معصومان) روا می‌داند.

همین سان در آیه ﴿إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ﴾ (یوسف/۵۳) نیز از میان چهار معنای لغوی یاد شده برای کلمه نفس، آن را به قرینه امر به سوء، به هوی و میل طبع آدمی تفسیر کرده است (همو، ۳۰۴). همچنین در نقد دیدگاه اهل سنت که بر پایه برخی از روایات مجعول نزول آیه ﴿فَأَمَّا مَنْ أُعْطِيَ وَاتَّقَى﴾ (لیل/۵) را در شأن خلیفه اول ابوبکر دانسته اند ضمن نقد تاریخی این ادعا می نویسد: فرقی نمی کند بین کسی که ادعا کند این آیه در شأن ابوبکر نازل شده است با کسی که بگوید در شأن ابوهریره یا مغیره بن شعبه و دیگران نازل شده است چون ادعای آنان از دلیل برهانی تهی است، ظاهر آیه مقتضی عمومیت آن در شأن همه افرادی است که اهل تقوی و ایمان هستند و از کفر و طغیان پیراسته‌اند. هرکسی که آیه حمل بر خاص کند در حقیقت معنای حقیقی آن را از حقیقت به مجاز انصراف داده است (همو، ۵۵۷). همچنین ضمن پذیرش چند معنایی در برخی از آیات با استناد به اشعار کهن عربی، مستند وجه معنایی که در نظر داشته را بیان کرده است. تفسیر کلمه ید در دو آیه ﴿وَادْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ﴾ (ص/۱۷) و ﴿بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ﴾ (مائده/۶۴) به معنای نعمت در کنار معنای قوت نمونه‌ای روشن در این باب است که در تبیین آن از شعر «له علی ایاد لست اکفرها * و انما الکفر إلا تشکر النعم» بهره برده است (همو، ۴۳۶).

ج. عترت مداری: از مبانی نظری شیخ مفید در عرصه قرآن شناسی، عترت مداری وی در تبعیت از قول و فعل و تقریر معصوم است که در استنادات متعدد او به احادیث معتبر اهل بیت دیده می‌شود لکن عترت مداری شیخ مفید به معنای پذیرش اعتبار تمامی احادیث منسوب به اهل بیت، منقول با نظریه عترت نیست؛ از این رو گاه شیخ از پذیرش روایاتی سر بازده است و در ائتساب یا صحت صدور آنان از عترت تردید کرده است. به طور خاص استناد به خبر واحد را در حوزه معرفت دینی و تفسیر مفید علم و عمل نمی‌داند و آن را تکیه بر ظن معرفی می‌کند که اعتماد بر آن خلاف مدلول آیات متعدد قرآن است (همو، ۳۱۷-۳۱۸) و به صراحت در جایی می نویسد: «أحادیث آحاد

و روایات افراد لا يجوز القطع بها و لا العمل علیها» (همو، ۳۹۲). همچنین بر اخباری که اشکال سندی دارند نیز اعتماد نکرده است. از جمله در پاسخ به ادعای تعارض میان روایت «اتقوا فراسة المؤمن، فإنه ينظر بنور الله» با مفهوم آیه «وَ قَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ ... إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (اعراف/۲۱-۲۲) که به آشنا نبودن آدم با عداوت شیطان اشاره دارد، چنین می‌نویسد: «إن هذا الحديث لا نعرف له سنداً متصلاً و لا وجدناه فی الاصول المعتمدة و ما كان هذا حکمه لم یصح التعلق به و لا احتجاج بمضمونه» (همو، ۲۰۹) و اگر روایتی با اصول عقاید، قواعد عقلیه و حقایق تاریخی متواتر مخالف بود، آن را رد می‌کند و حق نقد سندی و عقلی آن را برای خود محفوظ می‌دارد (همو، ۲۱۸ - ۲۱۹). در نقد اقوال تفسیری که مقبول وی نیست، افزون بر نقد تاریخی و محتوایی، در رد احتمال وجود دلیل روایی که مؤید قول مخالف باشد می‌نویسد: «مع أنه لم یرد خبر صحیح بذلک علی التفصیل فیعتمد علیه و تخرج له الوجوه» (همو، ۵۵۵) و این اشراف و تسلط شیخ مفید بر روایات تفسیری فریقین را نشان می‌دهد. لکن شیخ مفید از روایات معتبر گاهی به طور مستقیم در تفسیر متن قرآن بهره جسته و گاه در تأیید معنا و مفهوم مستفاد از آیه، به آنها استشهاد کرده است. در شناخت مفهوم روح با جمع‌بندی احادیث عترت «و الاخبار عن موالینا (علیهم السلام) تدلّ...» آراء معتزله در هویت وجودی روح را نقد کرده است (همو، ۵۵۱). در تبیین پیامهای فقهی آیات، از روایات اهل بیت بهره برده است برای نمونه ذیل آیه «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى...» (اعلیٰ/۱۴) آورده است که صادقون(ع) فرموده اند این آیه به طور خاص درباره زکات فطره نازل شده است (همو، ۵۵۳). همچنین در تأیید برداشت تفسیری خود به روایات استناد جسته است (همو، ۲۱۳ و ۵۵۲).

د. تفسیر در چارچوب دلالت متن: کوشش برای کشف مراد اصلی متن بدون تحمیل پیش فرض، ویژگی شاخص روش تفسیری شیخ مفید است. این ویژگی وام گرفته از اصل ممنوعیت تفسیر به رأی است که در روایات اسلامی بدان اشاره شده است. مطابق

مفاد اصل مذکور، تفسیر قرآن با تکیه بر پیش‌فرضها، اعتقادات شخصی و هوای نفس، مردود است. نقد پنداره صاحب سکینه بودن خلیفه اول در آیه ﴿إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَ أَيْدُهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا﴾ (توبه/۴۰) نمونه روشنی بر این مدعاست که با دلالت آیات ناسازگار است (همو، ۲۵۷-۲۵۹). افزون بر این، توجه به روابط بینامتنی آیات و گزاره‌های همگن آن در تفسیر، مد نظر شیخ مفید بوده است؛ لذا در تفسیر هر آیه، آیات متناسب و هم موضوع با آن را جمع کرده، با تبیین ارتباط بین آنها، معنای مقصود را استنباط و سپس تفسیر کرده است (همو، ۴۶۱). برای نمونه در تبیین معنا شناختی آیه ﴿تَغْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ﴾ (معارج/۴)، به چهار دسته از آیات دیگر قرآن استناد کرده و مجموع آنها را توصیف استمرار شدت و عظمت شدائد کافران در روز قیامت دانسته است که چنان کند و آهسته بر آنان سپری می‌شود که گویی از نظر زمان دنیایی پنجاه هزار سال طول می‌کشد (همو، ۳۶۱). همچنین ذیل آیه ﴿وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ﴾ (یوسف/۱۰۳) در دلالت نداشتن کثرت بر صواب، آیات متعددی را ناظر به آن دانسته است (همو، ۳۰۶).

۲-۱-۱. سید مرتضی (ت ۴۳۶ ه.ق.)

تأثیر آراء سید مرتضی به عنوان شخصیتی برجسته در تفکر امامیه در رشته‌های گوناگون علوم اسلامی همانند فقه (طباطبایی، ۲۰۶-۲۲۸)، سیاست، تفسیر، کلام، و ادبیات عرب انکارناپذیر است (ر.ک: شریفی). سید مرتضی آثار قرآنی زیادی داشته است و برخی از آنها نیز هم اکنون در دسترس است (بخشایشی، ۶۴-۶۵). مشهورترین اثر قرآنی وی *امالی* است (علیزاده، ۱۲۱ - ۱۴۵) که ترجمان روشنی از نظام تفسیری وی است. «امالی» متن تدوین شده گفتارهای تفسیری سید مرتضی است؛ هر گفتاری از امالی با تفسیر آیه‌ای از قرآن کریم آغاز شده است. برخی از شاخصه‌های تفسیری در *امالی* چنین است:

الف) مبانی نظری

۱- **سایه‌های معنایی آیات:** در نگاه سید مرتضی معانی برخی از آیات در یک وجه منحصر نیست و اغلب، وجوه متعدد معنایی برای آنها طرح می‌کند و بر این باور است که معانی مستند بر ظواهر آیات حجیت دارند (علم الهدی، ۲۹/۱-۳۰ و ۷۵؛ ۵۰/۲ و ۷۷ و ۱۲۶).

۲- **سیاق آیات:** سید مرتضی استدلال جریون به آیه ﴿أَتَعْبُدُونَ مَا تَحْتُونَ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَ مَا تَعْمَلُونَ﴾ (صافات/۹۶) برای اثبات غیر اختیاری بودن افعال بندگان، با سیاق آیه، متعارض می‌داند. وی تأکید می‌کند که مفاد آیه گزارش احتجاج ابراهیم (ع) با قومش در اثبات مخلوق بت‌های سنگی است و مقصود آیه این است که آفرینندهٔ بتها بسان بت‌پرستان خداوند است (همو، ۲۰۳/۲).

ب) منابع تفسیر

عقل و نقل معتبر، منابع تفسیری سید مرتضی در *امالی* هستند؛ لکن به جهت غلبه عقلگرایی در آن، کاربرد روایات در تفسیر آیات انگشت شمار است. مؤلف *امالی* سعی کرده بین گزاره‌های نقلی و عقلی رابطه مسالمت‌آمیزی برقرار کند و تصریح می‌کند که ظواهر احادیث تعارض نما با ادله عقلی، بایستی بر وجهی حمل شوند که با این ادله هم‌نوایی پیدا کنند (همو، ۴۰۶/۱؛ ۱۸۶/۲ و ۲۰۶)؛ این همان ویژگی منبعیت و مرجعیت عقل در تفسیر است که در تفسیر آیات و شرح روایات تفسیری در *امالی* سید مرتضی نمود یافته است (خدایاری، ۵۴ - ۶۷). در کنار عقل، استناد به منابع نقلی از جمله خود قرآن در تفسیر برخی از آیات نیز در *امالی* به چشم می‌خورد (علم الهدی، ۶۸/۱؛ ۱۸۵/۲).

ج) روش

روش تفسیری سید مرتضی اجتهادی است.^۱ *امالی* وی را باید آغازگر تفسیر

۱. تدوام این روش را می‌توان در آثار تفسیری شیخ طوسی، طبرسی، ابوالفتوح رازی و فخر رازی مشاهده کرد. بنگرید: رضا شکرانی، «مقدمه‌ای بر مباحث تفسیری سید مرتضی»، *کیهان اندیشه*، شماره ۵۹، ص ۵۱-۶۰.

اجتهادی عقل‌گرا در امامیه دانست. شدت عقل‌گرایی در تفکر سید مرتضی تا حدی است که بعضی وی را متأثر از معتزله دانسته‌اند (ذهبی، ۱/۴۰۴-۴۰۵). اگر چه این دیدگاه نزد عالمان شیعه پذیرفته نیست؛ اما به هر حال نمی‌توان جایگاه ویژه عقل را در مباحث قرآنی و روایی وی، در سراسر *امالی* کم رنگ دانست.

د) قلمرو

هر چند مباحث تفسیری در *امالی* ذیل عنوان «تأویل الآیة» بیان شده و از واژه تفسیر استفاده نشده است (علم الهدی، سراسر اثر)، لکن کاوشهای معناشناسی وی هم در سطح دلالت ظاهری (تفسیر) و هم سطح باطنی آیات (تأویل) بوده است (همو، ۱/۶۴ و ۱۴۰-۱۴۱ و ۴۵۲ و ۵۵۶؛ همو، ۲/۱۲۶ و ۱۷۷ و ۱۴۹ و ۲۰۳).

۳-۱-۱. شیخ طوسی (ت ۴۶۰ ه. ق.)

تفسیر *التبیان الجامع لعلوم القرآن* شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ ه. ق.) نخستین تفسیر جامع امامیه است.^۱ تا پیش از شیخ طوسی به جهت غلبه رویکرد مأثور در تفسیر امامیه و فقدان تفسیری جامع و اجتهادی، مفسران امامی چندان به مباحث نظری تفسیر توجه نمی‌کردند؛ نخستین بار شیخ طوسی بود که در *التبیان* نظریه تفسیری امامیه را به طور کامل به ظهور رسانید و با رویکردی اجتهادی با صبغه‌ای کلامی، شاخصه‌های تفسیر امامیه را مطرح کرد؛ هر چند برخی *التبیان* را از جمله تفاسیر مأثوری بر شمرده‌اند که جنبه روایی آن بر جنبه عقلی غالب است و در آن، اعتماد به منقول در رتبه نخست و

۱. *التبیان* از جهات بسیاری با سایر تفاسیر مختصر پیشین شیعه مانند عیاشی، فرات، علی بن ابراهیم قمی و نیز برخی تفاسیر اهل سنت چون فراء، طبری و جبائی متفاوت است. این تفسیر محصول ذهن پویا، نقاد و جامع‌نگر شیخ طوسی در عصر خود در حوزه بغداد بوده است. مجموعه‌ی شرایط زمانی و مکانی قرن چهارم و پنجم هجری در بغداد، علاوه بر نیازها و پرسشهای اساسی علوم اسلامی در آن زمان، تفسیر *التبیان* شیخ طوسی را یکسره از تمام تفاسیر پیشین متفاوت ساخته است؛ به‌گونه‌ای که می‌توانیم به‌وضوح آن را ترکیبی گزینش شده از مهم‌ترین آثار و آرای ادبی، لغوی، فقهی، کلامی و تفسیری شیعه و سنی در عصر شیخ طوسی بدانیم. ر.ک: کریمی‌نیا، شیخ طوسی و منابع تفسیری وی در *التبیان*، ۷۳-۱۱۱.

بر معقول مقدم است (ابوطبره، ۱۶۳-۱۶۴ و ۱۶۷)؛ لکن بُعد اجتهادی آن نیز قابل توجه است و در میان مفسران شیعه، شیخ طوسی از جمله نخستین کسانی است که نقل روایات را در تفسیر کافی ندانسته، و استدلال عقلی را در کنار روایات به کار برده است؛ بارزترین شاهد آن، صبغۀ کلامی تفسیر او است. علامه طباطبایی احتمالاً با در نظر گرفتن همین شواهد، *التبیان* را تفسیری کلامی شمرده است (طباطبایی، *قرآن در اسلام*، ۵۹). اشارات طوسی در جای جای *التبیان* به کتابهای دیگرش چون *المبسوط*، *نهایة الخلاف و تهذیب الاحکام* نشان می‌دهد که وی این تفسیر را در اواخر عمر خویش نوشته است.

۱. **تفسیر دانشی روشمند:** هر چند شیخ طوسی تعریف جامعی از تفسیر ارائه نکرده (بابایی و همکاران، ۱۲) و تنها در مقدمه *التبیان* به نقد روش مفسران پیشین اکتفا کرده است؛ لکن از بررسی عملکرد تفسیری وی چنین بر می‌آید که شیخ، تفسیر را دانشی روشمند، استوار بر قواعد زبانی، اصول تخاطب عقلایی و مبانی کلامی مفسر می‌داند که هدف غایی آن، کشف مراد جدی قرآن از ظواهر الفاظ آن است و این در سراسر *التبیان* وی مشهود است.

۲. **فهم قرآن، غایت نزول:** در مقدمه *التبیان* به اصل بنیادی *امکان فهم قرآن* اشاره شده است. شیخ طوسی این اصل را با توجه به غایت نزول قرآن برای دانستن و فهمیدن، چنین تبیین نموده است که دانستن معانی و مقاصد متنوع قرآن، هدف نهایی نزول آن بوده است (طوسی، ۳/۱). روشن است که این فهم بایستی از مسیر فرایندی مطمئن و متکی بر مبانی و منابعی متقن صورت پذیرد و از هر گونه تحمیل نظر و پیش داوری بر متن، دور باشد؛ عملکرد تفسیری شیخ طوسی در *التبیان* خود گویای امکان و جواز تفسیر قرآن برای کسانی است که شرایط علمی تفسیر را دارند.

۳. **قلمرو تفسیر:** تبیین معنا و کشف مراد جدی متن، رسالت دانش تفسیر است. شیخ طوسی با به کارگیری تعبیر «مراد الله» در بیان شاخصه‌های دانش تفسیر، وظیفه

مفسر را در گزاره‌های مجمل و الفاظ مشترک، تشخیص مراد خدا از آنها دانسته است (همو، ۵/۱ - ۶). در کشف مراد الهی از آیات، تقلید از آراء مفسران دیگر جایز نیست مگر دیدگاهی که بر آن، اجماع دارند؛ قاعده معمول در این موارد، مراجعه به بیان معصوم (ع) است و غیر آن، همه تکلف و خطا است (همو، ۴/۱). این ویژگی به شاخصه ضرورت اجتهادی بودن تفسیر اشاره دارد. در نگاه شیخ طوسی معانی آیات قرآن چهار گونه هستند که از میان آنها، فقط تحصیل معنای نوع نخست - آیاتی که علم آنها مختص خداوند است^۱ - از توان شناختی بشر بیرون است؛ ولی سه گونه دیگر آن (همو، ۵/۱) در قلمرو تفسیر داخل بوده و ضروری است مفسر به معناشناسی آنها بپردازد. به نظر، شیخ طوسی با چنین طبقه بندی معنایی آیات، قصد تبیین محدوده عملیات تفسیری را داشته است و با خارج ساختن یک قسم بر مرز حداکثری قلمرو تفسیر تأکید کرده است.

۴. منابع تفسیر: منابع معتبر در تفسیر و معیارهای سنجش آن از دغدغه‌های جدی شیخ طوسی در التبیان است و دیدگاههای خاصی در این مؤلفه تفسیری دارد. در تفسیر، تقلید از هیچ مفسری روا نیست و در قبول آراء تفسیری و تأویلی باید به ادله عقلی یا شرعی معتبر رجوع کرد. خبر واحد از جمله ادله شرعی معتبر در تفسیر نیست و استناد به رأی هم جایز نیست (همو، ۴/۱ - ۷). کاربرد عقل در فهم قرآن جایز است. در منقولات (چه در روایات شرعی و چه در نقلهای تاریخی) تنها نقلهای متواتر و گزارشهای معتبر پذیرفتنی است؛ لذا به روایات غریب نباید استناد کرد و از روایات تفسیری معتبر در بیان شأن نزول، توضیح مصادیق و معنای آیات بهره جست (همان). اگر چه شیخ طوسی به آراء مفسران صحابه و تابعان و مفسرانی همانند رمانی و جبائی معتزلی، رویکردی انتقادی دارد و پس از ارزیابی آراء معتبر و مقبول، آنان را می‌پذیرد (محمدی خرم‌آبادی، ۱۲۰؛ فاضل، ۵۲۷/۳-۵۶۴)؛ لکن با عبارت «آن دسته از دیدگاههای مفسران متقدم

۱. مانند شناخت دقیق زمان قیامت در اعراف/۱۸۶.

همچون ابن عباس و مجاهد که اجماعی باشد» ضرورت پذیرفتن آراء چنین مفسرانی را یادآوری می‌کند؛ به آراء مفسران متأخر اعتمادی نیست؛ چرا که جز تأیید مذاهب خویش و تحمیل دیدگاه‌های خود بر قرآن، کاری نکرده‌اند (همو، ۶/۱-۷). لذا در نگاه شیخ طوسی آراء اجماعی مفسران کهن از صحابه و تابعان می‌تواند به عنوان یکی از منابع تفسیری قلمداد شود.

۵. **طرحواره تفسیر:** اینکه از نظر صوری تفسیر یک آیه ابتدا از کجا شروع شود و چگونه پایان یابد، امروزه سؤالی ساده با پاسخی روشن است؛ لکن در آغاز دوره تدوین دانش تفسیر، صورت بندی عملیات تفسیری با ارائه یک طرحواره منسجم برای تفسیر از دغدغه‌های جدی برخی از مفسران بوده است. شیخ طوسی با داشتن این دغدغه سعی کرده طرحواره‌ای در *التبیان* ارائه کند. لغت، قرائات، حجج، اعراب، سبب نزول و معنی، بخشهای اصلی این طرحواره را تشکیل می‌دهند. گاه در مواردی انگشت شمار بخشی را به تناسب و نظم آیات اختصاص داده است (طوسی، ۲/۲۲۴ و ۳/۵۵۵؛ ۲۳۵/۳).

۲-۱. معاصران امامیه

مفسران اجتهادی معاصر امامیه تعاریفی تخصصی از تفسیر ارائه کرده و سعی داشته‌اند شاخصه‌های دانش تفسیر را در تعاریف خود بیان کنند؛ اختلاف سلیقه موجود در این تعاریف کاملاً طبیعی است و علت آن در برخی از تعاریف، در تفاوت نگرش مفسران درباره بعضی از مؤلفه‌های تفسیر ریشه دارد. بالطبع تعاریف این بزرگان معیار تبیین مؤلفه و شاخصه‌های نظریه تفسیر اجتهادی امامیه در دوره معاصر است از این رو تنها با تکیه بر این تعاریف به تحلیل مؤلفه‌های تفسیر از نگاه آنان می‌پردازیم. شایان ذکر است از میان مفسران اجتهادی معاصر به جهت نشان دادن تفاوت‌های احتمالی، آیت‌الله خوئی از حوزه معاصر نجف و علامه طباطبایی، امام خمینی و آیت‌الله جوادی آملی از حوزه قم انتخاب شده‌اند. می‌توان در مجالی دیگر و در سطح گسترده‌تری تمامی مفسران اجتهادی معاصر امامیه را مقایسه کرد.

۱-۲-۱. علامه طباطبایی (ت ۱۴۰۲ ه.ق.)

تعریف علامه طباطبایی از تفسیر، یعنی «بیان معانی آیات و کشف مقاصد و مدالیل آنها» (طباطبایی، *المیزان*، ۴/۱) به شاخصه‌های ذیل در نظریه تفسیری اشاره دارد:

الف) تفسیر فرایند دو مرحله‌ای: بیان معانی در سطح دلالت ظاهری آیات و کشف مقاصد آیات در سطح کلان قرآن مراحل اصلی تفسیر را تشکیل می‌دهند.^۱ رعایت تقدم مرحله بیان بر مرحله کشف مقاصد ضروری است.

ب) معنا مداری عمل تفسیر: کوششی تفسیری است که در تحصیل معنای آیه نقش داشته باشد. برخی از مباحث لغوی، قرائتی و بدیعی چون این نقش را ندارند، جزء تفسیر محسوب نمی‌شوند (طباطبایی، *قرآن در اسلام*، ۶۲).

ج) قلمرو تفسیر: حدود تفسیر کشف معانی، مقاصد و مدالیل آیات است؛ دیگر تفاسیل، در قلمرو تفسیر نیست. ظاهراً هر دو سطح حداقلی و حداکثری در قلمرو تفسیری منظور ایشان بوده است.

۱-۲-۲. امام خمینی (ت ۱۴۱۰ ه.ق.)

امام خمینی ضمن انتقاد صریح از عملکرد تفسیری مفسران فریقین، مقام حقیقی قرآن را بسی فراتر از تلاشهای مفسران می‌داند و بر این باور بودند که تاکنون تفسیری برای قرآن نوشته نشده است (خمینی، ۲۸۴).

الف) تفسیر فرایند دو مرحله‌ای: تفسیر فرایندی دو مرحله‌ای است و مرحله نخست آن بیان مقصود الفاظ و مرحله دوم بیان منظور صاحب کتاب است (همان).

ب) تبیین مقاصد قرآن، قلمرو تفسیر: تفسیر آن است که مقاصد قرآن را بنمایاند و نظر مهم در آن بیان منظور صاحب کتاب باشد؛ مفسر حقیقی کسی است که «مقصد» از نزول را بفهماند نه «سبب» نزول را، آن طور که در تفاسیر وارد است (همان).

۱. هر چند در تعبیر علامه طباطبایی اصطلاح معانی و مقاصد چندان به روشنی بیان نشده است لکن می‌توان حدس زد که مقصود ایشان همان مراد استعمالی و مراد جدی است.

ج) **هدفمندی تفسیر:** امام خمینی (ره) به نوعی اشتراک هدف میان قرآن با تفسیر آن معتقد بودند به گونه‌ای که هدف کتاب تفسیر بسان خود قرآن، همان هدایت و سعادت مخاطبان باشد. کتاب خدا، کتاب معرفت و اخلاق و دعوت به سعادت و کمال است؛ کتاب تفسیر نیز باید کتاب عرفانی - اخلاقی و مبین جهات عرفانی و اخلاقی و دیگر جهات دعوت به سعادت آن باشد. مفسری که از این جهت غفلت کرده یا صرف نظر نموده یا به آن اهمیت نداده، از مقصود قرآن و منظور اصلی انزال کتب و ارسال رسل غفلت کرده است (همو، ۲۸۴ - ۲۸۵).

۳-۲-۱. آیت الله خوئی (ت ۱۴۱۳ ه.ق.)

آیت الله خوئی تفسیر را «ایضاح مراد الله من کتابه العزیز» تعریف کرده است (خوئی، ۳۹۷). می‌توان نکات ذیل را در تبیین شاخصه‌های تفسیر از این تعریف استنباط کرد:

الف) تفسیر فرایندی تک مرحله‌ای: تفسیر تنها بر مرحله ایضاح مراد خداوند از آیات اطلاق می‌شود و مرحله بیان معانی آیات در سطح دلالت ظاهری الفاظ، گویی تفسیر نیست.

ب) ایضاحی بودن ماهیت تفسیر: ایضاحی بودن ویژگی ماهوی تفسیر است؛ یعنی روشن ساختن مفهوم آیه به نحوی روشن و شفاف که بتوان آن را تصور و درک کرد.

ج) کشف مراد الهی، قلمرو تفسیر: قید «مراد الله» بیانگر رسالت اصلی تفسیر است و با اضافه آن به «من کتابه العزیز» به قلمرو حداقلی^۱ اشاره دارد از این رو تفسیر تنها در حوزه دلالت آیات بر مراد خدا مطرح است.

۴-۲-۱. آیت الله جوادی آملی (معاصر)

الف) تفسیر بیان مدلول الفاظ و پرده برداشتن از چهره جمله‌های قرآنی است. از این رو تبیین حدود، جزئیات و نحوه اجرای آنچه خطوط کلی آن در قرآن کریم آمده،

۱. پیش‌تر اشاره شد که تفسیر دو قلمرو حداقلی و حداکثری دارد (راد، ۱۷).

تفسیر شمرده نمی‌شود؛ برای مثال روایاتی که حکم اخفاتی بودن برخی نمازها را بیان می‌کنند، تفسیر آیه «أَقِمُوا الصَّلَاةَ» (بقره/۳۴) نیستند بلکه مبین حدود جزئی آن هستند (جوادی آملی، ۱۴۰/۱).

ب) تفسیر درباره متون مبهم و مجمل مطرح می‌شود که بر اساس قانون محاوره و فرهنگ مفاهمه ایراد شده باشد و معنای آن، واضح نباشد؛ لفظی که معنای آن بدیهی است، از تفسیر بی‌نیاز است؛ بنابراین لفظ مفرد یا جمله‌ای که با تدبر و تأمل خردمندانه در آن، مبادی تصویری و تصدیقی روشنی پیدا می‌کند، به تفسیر نیازمند است و تفسیر آن تحلیل مبادی مزبور و کشف مقصود متکلم و مدلول بسیط و مرکب لفظ است (همو، ۵۲/۱-۵۳).

ج) قرآن کریم در تبیین خطوط اصلی معارف دین، کاملاً روشن است و در سراسر قرآن از نظر تفسیری مطلب تیره و مبهمی وجود ندارد؛ زیرا اگر الفاظ آیه‌ای به تنهایی نتواند مقصود خود را بیان کند، آیات دیگر به روشنی آن را تبیین می‌کنند (همو، ۷۳/۱).

نتایج

۱. در این پژوهش مؤلفه‌های نظریه تفسیر اجتهادی مفسران امامیه در دوره قدما و معاصر با تکیه بر عملکرد و تعاریف مفسران تحلیل شد. از دوره قدمای امامیه شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی از حوزه بغداد به دلیل جامعیت علمی ایشان، برای نمونه‌های آزمون‌ی برای اکتشاف نظریه تفسیری امامیه در دوره قدما انتخاب شدند و با تکیه بر آثار قرآنی نظریه تفسیری آنان تحلیل شد. از معاصران ایرانی نیز تعاریف آیت‌الله خوئی از حوزه نجف، علامه طباطبایی، امام خمینی و آیت‌الله جوادی به دلیل وجود تفاوت‌هایی در تعاریف آنان از حوزه قم برای بررسی انتخاب شدند.
۲. هر چند مفسران اجتهادی قدمای امامیه تعریف ساختاری و جامع از تفسیر ارائه نکرده‌اند لکن مبانی نظری و کاربردی امامیه در تفسیر ملحوظ آنان بوده است. امکان و جواز تفسیر، عقل‌گرایی و عترت‌مداری، مبانی مشترک و مقبول نزد قدما بوده

که با رویکردی اجتهادی به وضوح در آثار قرآنی آنان دیده می‌شود. از آثار شیخ مفید و سید مرتضی بیشتر، درباره مبانی نظری تفسیر بحث شد: امکان عام و جواز اجتهاد در تفسیر، حجیت ظواهر کتاب، عترت مداری و تفسیر در چارچوب دلالت متن، از جمله مبانی اکتشافی تفسیر در آثار قرآنی شیخ مفید است. شیخ طوسی افزون بر مبنایابی، تفسیر امامیه را نظامند و روشمند ساخت و مؤلفه‌هایی چون تفسیر دانشی روشمند، فهم قرآن، غایت نزول، قلمرو تفسیر، منابع تفسیر و سنجه‌های آن، طرحواره تفسیر را در نظریه تفسیری مطرح نمود.

۳. در دوره معاصر نظریه تفسیری امامیه تکامل و انسجام یافت. معاصران با تثبیت مبانی قدما به صورت‌بندی تفسیر اهتمام بیشتری نشان دادند. لکن در برخی از مؤلفه‌های آن همانند قلمرو، هدف و تفسیری بودن برخی از عملیات فهم قرآن میان آنان آراء متنوعی پدید آمد. مرحوم امام خمینی (ره) مؤلفه هدفمندی تفسیر را بر دیگر مؤلفه‌های آن افزود. علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی تبیین جزئیات آیات و مباحث لغوی را از تفسیر بیرون دانسته‌اند هر چند بی‌تأثیر بودن چنین مباحثی در بیان معانی و کشف مقاصد، محل تردید است؛ بویژه اینکه در معناشناسی برخی از لغات غریب قرآن، از مراجعه به منابع لغوی کهن ناگزیر هستیم. در چند مرحله بودن تفسیر میان آقای خوبی از حوزه نجف با مفسران حوزه قم اختلاف نظر وجود دارد و همگی در کشف مراد و مقصود الهی اشتراک دارند. در نظریه آیت‌الله جوادی معیار بدیهی بودن یک لفظ که آن را از تفسیر بی‌نیاز می‌کند، چندان توضیح داده نشده است. اطلاق بیان ایشان نیز نوعی نسبی‌گرایی در تفسیر را تداعی می‌کند؛ چون ممکن است معنای یک لفظ یا جمله‌ای برای شخصی نیازمند کشف و بیان باشد، اما برای فردی وضوح مفهومی داشته باشد.

۴. مبنای کلامی مشترک مفسران قدما و معاصر امامیه عترت‌مداری در تفسیر است. مفاد این مبنا این است که پذیرش عترت نبوی به عنوان مفسران معصوم و وارثان حقیقی قرآن، یکسری الزامات عقلی به همراه دارد که لازم است مفسر در تفسیر قرآن

به این لوازم عقلی، به عنوان معیارها و سنجه‌های تفسیر توجه کند. از جمله این الزامات، اعتباریابی روایات معتبر اهل بیت در قرآن‌شناسی، ضرورت توجه به روش تفسیری عترت در چگونگی تبیین آیات و مخالفت نداشتن رأی مفسر با مجموعه تعالیم قرآنی و غیر قرآنی آنان است.

۵. تأثیر این مبنا در اعتبار بخشی و اولویت داشتن سنت اهل بیت (ع) نسبت به دیگر منابع، به الگویی خاص در طبقه بندی منابع تفسیری مفسران امامیه منجر شده است که معیار مفسران اجتهادی امامی در منابع تفسیر بوده است. مقصود از این الگو، طبقه بندی منابع به دو قسم اصلی - پایه و تابع - پیرو است. قرآن، لغت اصیل، سنت اهل بیت (ع) و عقل از منابع پایه، تاریخ، تجربه علمی، فهم و رأی مفسران کهن از منابع تابع در نظریه تفسیر اجتهادی مفسران امامیه است. تقسیم‌بندی منابع در الگوی پایه و تابع، بر اساس معیاری ارزش مدارانه در سنجش اصالت و اعتبار معرفتی آنها است. مطابق این معیار، منابع پایه داده‌هایی هستند که از منابع تابع، اعتبار قوی‌تر و بالاتری دارند و بر آنها نوعی اولویت و تقدم شأنی دارند؛ منابعی که چنین درجه اعتباری نداشته باشند، منابع تابع به شمار می‌آیند و اعتبار آنها به تأیید منابع پایه بستگی دارد.

۶. در پایان با درنگ در آراء بزرگان قدما و معاصر امامیه شاخصه‌های نظریه تفسیری این مذهب را می‌توان چنین برشمرد:

الف) بیان معانی آیات و کشف مقاصد و مدالیل آنها در سطح ظاهری آیات؛

ب) استوار بودن بر مبانی کلامی مذهب امامیه با تکیه بر عترت مداری در منبع،

روش و داوری؛

ج) استناد به ادبیات عرب، اصول عقلایی محاوره و منابع معتبر؛

د) قرار گرفتن در چارچوب طرحواره‌ای منطقی و جامع؛

ه) غایت‌مندی با هدف قرآن.

منابع

- ابوطبره، هدی جاسم محمد؛ *المنهج الاثری فی تفسیر القرآن*، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۱۴ ه.ق.
- اسماعیل، محمد بکر؛ *ابن جریر الطبری و منهجه فی التفسیر*، دار المنار، قاهره.
- اصفهانی، محمد حسین؛ *مجد البیان فی تفسیر القرآن*، مؤسسه بعثت، قم، ۱۳۱۷ ه.ق.
- اصفهانی، میرزا مهدی؛ *رسائل شناخت قرآن القرآن و الفرقان فی وجه اعجاز کلام الله المجید و مقدمه‌ای در حجیت ظواهر*، مقدمه و تحقیق و تعلیق: حسین مفید، منیر، تهران، ۱۳۸۸ ش.
- امین، احسان؛ *التفسیر بالمأثور و تطویره عند الشیعة الامامیة*، دار الهادی، بیروت، ۱۴۲۱ ه.ق.
- امینی، عبد الحسین؛ *الغدیر فی الکتاب و السنّة و الأدب*، چاپ دوم، دار الکتب الاسلامیة، طهران، ۱۳۶۶ ش.
- ایازی، محمد علی؛ *تفسیر القرآن المجید المستخرج من تراث الشیخ المفید*، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۲ ش.
- بابایی علی اکبر [و همکاران]؛ *روش شناسی تفسیر قرآن*، پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سمت، قم، ۱۳۷۹ ش.
- _____؛ *تاریخ تفسیر قرآن*، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مؤسسه امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۸۷ ش.
- جوادی آملی، عبدالله؛ *تسنیم*، چاپ اول، قم، نشر اسراء، ۱۳۷۸ ش.
- جواهری، محمد حسن؛ *درسنامه ترجمه: اصول، مبانی و فرایند ترجمه قرآن کریم*، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، بهار ۱۳۸۸ ش.
- الخالدی، صلاح عبدالفتاح؛ *تعریف الدارسین بمناهج المفسرین*، دار القلم، دمشق، ۱۴۲۳ ه.ق.
- خمینی، روح الله؛ *رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، آداب الصلوة*، چاپ سوم، موسسه تنظیم و نشر تراث الامام الخمینی، تهران، ۲۰۰۲ م.

- خویی، ابوالقاسم؛ *البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ چهارم، دار الزهراء، بیروت، ۱۳۹۵ هـ.ق.
- دلاور، علی؛ *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*، رشد، تهران، ۱۳۷۴ ش.
- ذهبی، محمد حسین؛ *التفسیر و المفسرون*، دار الکتب الحدیثیه، بی تا.
- راد، علی؛ *بولتن مرجع مقالات مستشرقان و حدیث/۱*، قرآن پژوهی، دار الحدیث، قم، ۱۳۸۸ ش.
- _____؛ *مبانی کلامی امامیه در تفسیر*، رساله دکتری، دانشکده علوم حدیث، قم، ۱۳۸۹ ش.
- شاکر، محمد کاظم؛ *مبانی و روشهای تفسیر قرآن*، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۲ ش.
- شایان مهر، علی رضا؛ *دایرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی*، نشر کیان، تهران، ۱۳۷۷ ش.
- شایع، محمد؛ *اسباب اختلاف المفسرین*، مکتبه العییکان، ریاض، ۱۴۱۶ هـ.ق.
- شریفی، محمود؛ *سید مرتضی: پرچمدار علم و سیاست*، چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۴ ش.
- الصغیر، محمد حسین؛ *دراسات قرآنیة: المبادئ العامة للتفسیر*، مکتب الاعلام الاسلامی، تهران، ۱۴۱۳ هـ.ق.
- طباطبایی، محمد حسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*، منشورات جماعة المدرسین فی الحوزة العلمية، قم، ۱۴۱۲ هـ.ق.
- _____؛ *قرآن در اسلام*، جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، ۱۳۶۱ ش.
- طوسی، محمد بن حسن؛ *التیان*، چاپ اول، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۹ هـ.ق.
- عبد الغفار، سید احمد؛ *النص القرآنی، بین التفسیر و التأویل*، چاپ دوم، دارالمعرفة الجامعیة، ۱۹۹۹ م.
- عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم؛ *طبقات مفسران شیعه*، نوید اسلام، قم، ۱۳۸۲ ش.
- علم الهدی، علی بن الحسین؛ *أمالی المرتضی: غرر الفوائد و درر القلائد*، تحقیق: محمد

ابوالفضل ابراهیم، ذوی القربی، قم، ۱۳۸۴ش.

- فرامرز قراملکی، احد؛ روش شناسی مطالعات دینی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ۱۳۸۵ ش.

- فنیسان، سعود بن عبدالله؛ اختلاف المفسرين اسبابه و آثاره، دار اشبیلیا، ریاض، ۱۴۱۸ ه.ق.

- مجتهد شبستری، محمد؛ هرموتیک کتاب و سنت، چاپ دوم، انتشارات قیام، تهران، ۱۳۷۵ش.

- محمود محمد، یعقوب طاهر؛ اسباب الخطأ فی التفسیر: دراسة تصلییة، دار ابن الجوری، دمام، ۱۴۲۵ ه.ق.

- معرفت، محمد هادی؛ تفسیر و مفسران، چاپ اول، التمهید، قم، ۱۳۸۰ش.

- مکارم شیرازی، ناصر؛ الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، مدرسه امام علی بن ابی طالب، قم، ۱۴۲۱ ه.ق.

- نمر، عبدالمنعم؛ علم التفسیر کیف نشأ و تطور حتی انتهى الی عصرنا الحاضر، دارالکتاب اللبنانی، قاهره، ۱۴۰۵ ه.ق.

مقالات

- اعرجی، زهیر؛ «النظریة التفسیریة فی المدرسة الامامیة»، تراثنا، شماره ۹۵ و ۹۶، قم، مؤسسه اهل البيت (ع)، ۱۴۲۹ ه.ق.

- پاکتچی، احمد؛ «تفسیر»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۷ش.

- رشاد، علی اکبر؛ «نهادهای راهنمای فهم قرآن»، قیسات، شماره ۲۹، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۲ش.

- رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ «تجلی جاودانگی قرآن در قاعده جری و تطبیق»، اندیشه دینی، پیاپی ۲۵، زمستان ۱۳۸۶ش.

- سبحانی، جعفر؛ «مناهج التفسیریة»، رساله القرآن، العدد الاول، دار القرآن الکریم قم.

- شکرانی، رضا؛ «مقدمه‌ای بر مباحث تفسیری سید مرتضی»، کیهان اندیشه، شماره ۵۹،

- فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۴ ش.
- طباطبائی، مهدی؛ «نگرشی بر فقه سید مرتضی»، *فقه اهل بیت*، شماره ۱۷ و ۱۸، قم، بهار و تابستان ۱۳۷۸ ش.
- علیزاده، میرزا؛ «آشنایی با امالی سید مرتضی (ره)»، *علوم و معارف قرآن*، شماره ۱، دانشگاه رضوی، بهار ۱۳۷۵ ش.
- فاضل، محمود؛ «مقدمه‌ای بر آراء و نظریات کلامی شیخ طوسی در تفسیر تبیان»، *بزرگ‌داشت شیخ طوسی*، ج ۳.
- فرج‌اللهی، فرج‌الله؛ «سرگذشت علم تفسیر: تطور تفسیر طی قرون و اعصار»، *درسهایی از مکتب اسلام*، بهمن ۱۳۸۰.
- کریمی‌نیا، مرتضی؛ «شیخ طوسی و منابع تفسیری وی در التبیان»، *مطالعات اسلامی*، شماره ۷۴، دانشگاه فردوسی، تابستان ۱۳۸۵ ش.
- محمدی خرم‌آبادی، غلام محمد؛ «شیعه و آراء تفسیری معتزله»، *مطالعات اسلامی*، شماره ۶۸، دانشگاه فردوسی، تابستان ۱۳۸۴ ش.
- نصیری، علی؛ «جری و تطبیق در المیزان»، *علوم و معارف قرآن*، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۵ ش.
- یثربی، یحیی؛ «نگاهی به نظریه تفسیر متون اسلامی»، *کتاب نقد*، شماره ۵ و ۶، تهران، سال دوم، زمستان ۷۶ و بهار ۷۷.

- Meir Mikhael BarAsher, *Scripture and Exegesis in Early Imami Shiism*, Brill, Leiden, Boston and Köln, 1999.

-Cornelius H. M. Versteegh, *Arabic Grammar and Qur'anic Exegesis in Early Islam*, Leiden: Brill, 1993 (*Studies in Semitic Languages and Linguistics*).